

درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۳۷»

سال تحصیل ۹۸ - ۹۹

نقد نهم: کیفر بزهکاران در نظام مبتنی بر دموکراسی

در سیستم دموکراسی برای حق کیفر بزهکاران توجیه منطقی نمی‌توان ارائه داد. به این بیان که اگر بزهکاری مرتکب بزه می‌شود، کیفر او، تصرفی در اوست. چه این کیفر حبس باشد و چه کیفر بدنی و یا اینکه اعدام باشد، در تمام این کیفرها نیاز به این دارد که کیفر کننده دارای حق کیفر باشد، این حق در سیستم دموکراسی از کجا می‌آید؟ در حالی که هیچ یک از افراد جامعه حق کیفر بزهکار را ندارند، چطور نمایندگان آنها حق کیفر دارند؟

البته فرق است بین پیشگیری از بزه و کیفر بزهکار؛ مردم از حق پیشگیری برخوردارند از باب اینکه بزهکار در حال ضرر رساندن به آنهاست؛ لکن حقی در کیفر پس از وقوع جرم ندارند.

اینکه گفته شود باید شخصی باشد که کیفر کند، بله درست است و ما هم معتقدیم که بزهکار مستحق کیفر است؛ لکن این ربطی به این ندارد که شما در نظام دموکراسی چه مبنای منطقی‌ای دارید.

در نظام اسلامی برای کیفر توجیه منطقی وجود دارد؛ قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱ این مبنای منطقی اسلام است که خدای متعال چون آفریننده جهان است حق دارد هر تصرفی در آسمان و زمین بکند، هم کیفر حق اوست و هم بخشودگی کیفر حق اوست و هیچ یک از افراد جامعه حق کیفر و بخشودگی کیفر ندارند.

علاوه بر این اگر به هر شکلی این حق توجیه شد و گفتیم حاکمان حق کیفر دارند، معیار کیفر چیست؟ و به چه معیاری باید کیفرهای بزه‌های مختلف متعین شود و برای یک نوع بزه جریمه و نوع دیگر اعدام تعیین شود؟

اگر گفته شود تعیین حد کیفر باید به گونه‌ای باشد که بزه‌کار را از تکرار بزه باز بدارد؛ اگر مراد بازداشتن خود شخص بزه‌کار از تکرار بزه است که اولاً در اعدام دیگر بزه‌کاری وجود ندارد که بخواهد از تکرار بزه باز داشته شود. ثانیاً بزه‌کارهای حرفه‌ای - که اغلب بزه‌کاران از این قبیل‌اند - اگر به کمتر از اعدام تنبیه شوند از تکرار بزه باز داشته نمی‌شود و حتی اگر در مرخصی از زندان هم فرصتی پیدا کنند دست به خلاف می‌زنند.

اگر گفته شود بزه‌کاران کیفر می‌شوند تا اینکه دیگران از انجام بزه باز داشته شوند؛ تجربه اجتماعی نشان داده است که کیفر شخص دیگر باعث بازدارندگی نمی‌شود و همیشه کیفر بوده لکن دومرتبه آن جرم تکرار شده است.

و بر فرض اینکه کیفر بزه‌کار بازدارنده از تکرار بزه از شخص دیگر باشد، نمی‌توان مشخص کرد که چه مقدار از کیفر می‌تواند دیگران را از ارتکاب چنین بزه‌ی باز بدارد و اینها سنجه‌های روشنی ندارد و از امور مادی نیست که بتوان با ریاضی و امثال اینها آن را سنجید.

در نظام اسلامی خداوند که خالق این جهان و عالم به آن است بر مبنای علمش می‌تواند مقدار کیفر را معین کند و از طرفی چون مالک است حق کیفر دارد و هر عقلی به هر آفریننده‌ای حق تصرف در آفریده خودش را می‌دهد و این حق، حق معقولی برای خالق جهان است و می‌تواند این حق را به دیگری واگذار کند.